روزنامه طلوع

تاریخ ۲۱ دی ۱۳۹۶ پنج‌شنبه

صفحه ۶

شماره ۲۱۴۹

سال بیست و سوم

ادبی و هنری

محمدرضا عسکری

کلافه بودم و حواسم پرت افکارم، یک‌باره به خودم آمدم، آهای آقا! حواست کجاست؟ رفته بودم وسط بساط فالگیری‌اش، خم شدم و کمکش کردم. برای اینکه از ناراحتی دربیاید. گفتم: خانم فال منو می‌گیری؟ زیر لب چیزهایی زمزمه کرد و بعد از چیدن نخودها گفت: طالعت بلند است و خوشبختی. حرفش به دلم نشست. اسکناسی از جیبم درآوردم و گفتم: این کافیه؟ لبخندی زد و گفت: پول نمی‌خواد، چشمای عسلی خوشبختت رو بردار و برو. به صورتش خیره شدم. زن فالگیر نابینایی روبه‌رویم نشسته بود.

برای گردش به جنگلی بزرگ رفته بودیم همان‌طور که قدم می‌زدم ناگهان با صدای غرش یک شیراز جا پریدم با دیدنش از ترس شروع به دویدن کردم تا به‌پیش خانواده‌ام رسیدم آن‌ها داشتند غذا را آماده می کردند. کنار مادرم نشستم و تمام ماجرا را برایش تعریف کردم. مادرم گفت: دخترم خیالاتی شدی، نترس عزیزم! با خودم گفتم حتماً مادرم درست می گوید؛ و باز دوباره به آنجا برگشتم. باز همان صدای غرش را شنیدم ولی فرار نکردم سایه یک حیوان را دیدم، ترسیدم ولی همان‌جا ماندم. نزدیک شد و سلام کرد. همان شیر بود تا او را دیدم از ترس می‌خواستم جیغ بزنم اما شیر گفت: نترس! من هیچ دوستی ندارم با من دوست میشی؟ من با ترس‌ولرز گفتم: بله. او دست مرا گرفت و گفت: با من بیا! به همراهش رفتم. او مرا به‌طرف جنگل برد آنجا خیلی زیبا بود پر از گل‌های رنگارنگ. شیر پرسید چه رنگی دوست داری؟ گفتم: صورتی. شیر با یک بشکن تمام گل‌ها را صورتی کرد و باز سؤال کرد چه میوه‌ای دوست داری؟ گفتم: انبه؛ و با یک‌پا کوبیدن بر روی زمین تمام میوه‌های درختان انبه شد و بعد باهم کلی بازی کردیم. غروب شده بود صدای مادرم را شنیدم که می گفت آنیسا جان! بیا برویم. من به شیر گفتم خیلی با تو به من خوش گذشت ولی باید بروم شیر هم یک دسته گل صورتی و یک سبد انبه به من داد و مرا به‌پیش مادرم برد. من به همراه خانواده با ماشین به خانه برگشتم و هرگز آن شیر مهربان را فراموش نکردم.

آنیسا اتابکی

روز مادر بود به گل‌فروشی رفتم تا برای مادرم چند شاخه گل نرگس بخرم. آخه مادرم گل نرگس را خیلی دوست داشت. نگاهی به سکه‌هایی که در دستم بود انداختم و با خودم گفتم: اگه پولم کمه خب یه شاخه گل می‌خرم اشکالی که نداره، مهم اینه که مادرم رو خوشحال کنم. به فروشنده سلام کردم. سکه‌ها را روی میزش گذاشتم و گفتم: آقا با این پول هر چند شاخه که میشه گل نرگس بهم بدید. آقای فروشنده با لبخندی سرشار از مهر به من نگاه کرد و گفت: دختر کوچولو! دوست داری چند شاخه گل داشته باشی؟ با خوشحالی گفتم: پنج شاخه. آقای فروشنده با همان لبخند مهربان پنج شاخه گل آورد و به من داد. تشکر کردم و بدون معطلی راهی خانه شدم می‌دانستم که مادرم خیلی خوشحال می‌شود. سال‌ها گذشت و باز روز مادر فرا رسید یادم به آن روزی افتاد که برای خرید گل چند سکه بیشتر نداشتم. با یک حساب سرانگشتی متوجه شدم که آن روز مرد گل‌فروش، گل‌ها را به من هدیه داده بود تا دل دختربچه‌ای را نشکسته باشد چون با آن چند سکه حتی یک شاخه گل هم نمی‌شد خرید. با اینکه سال‌ها می‌گذرد اما هنوز آن مرد گل‌فروش در ذهنم یک فرشته است. چون به من محبت کردن به دیگران را یاد داد و امروز خوب فهمیده‌ام که آدم‌ها با انجام کارهای کوچک به بزرگی می‌رسند.

اعظم چراغی

با صدای قوقولی قوقوی حنایی از خواب بیدار شد. به سمت حیاط رفت. هوای خنک صبح سرحالش می‌آورد. نسیم موهایش را نوازش می‌کرد. جوجه‌ها جیک‌جیک کنان به مریم سلام می‌دادند. مریم سلام جوجه‌ها را با دستانش که پر از گندم بود جواب داد؛ و همچنان حیاط خانه بزرگ و قدیمی پدربزرگ را قدم می‌زد. قطره‌های باران به صورتش می‌خورد و چشم‌هایش کمربند هفت‌رنگ آسمان را دنبال می‌کرد. تبر به درخت بلندقامت سرو میان حیاط تکیه داده بود و انتظار دستان پرچروک و پینه‌بسته پدربزرگ را می‌کشید تا هیزم‌ها را خرد کند و اجاق خانه گرم بشود. حوض همچنان فیروزه‌ای بود و ماهیان قرمز در آن مشغول بازی بودند. درست مثل انگشتر فیروزه مادربزرگ. گل‌های شمعدانی لب‌های حوض را قرمز کرده بود. مریم دست و صورتش را شست، به اتاق رفت کنار پدربزرگ و مادربزرگ بر سر سفره صبحانه نشست. امروز خیلی کار داشت. شیر گاوها را بدوشد، گوسفندان را به چرا ببرد و سر راه برگشتن چادر گل‌گلی مادربزرگ را از خیاط روستا بگیرد. مادربزرگ از سماور قدیمی چای می‌ریخت و پدربزرگ گردوها را میان دستانش می فشرد و با یک حرکت می‌شکست. صبحانه‌ی لذیذی بود نان تازه و پنیر و گردو که همه دسترنج مردم روستا بود.

حدیث جعفری

کلاس دوم دبستان بودم. صبح بیدار شدم که به مدرسه بروم. نگاهی به آینه انداختم و از جای خالی دندانم خندوام گرفت. شب قبل لق شده بود و مادرم آن را کشیده بود. دندانم را زیر بالشم گذاشتم تا وقتی از مدرسه برمی‌گردم، فرشته مهربان به جایش برایم هدیه‌ای بگذارد. کمی نان در چای تلیت کردم، خوردم و راهی مدرسه شدم. بغلاسی بغل دستی‌ام یک جعبه مارنگ داشت که من هر روز با حسرت نگاهش می‌کردم و مدام در خانه از مارنگ‌های بغلاسی‌ام حرف می‌زدم و می‌گفتم آرزو دارم یه جعبه مارنگ داشته باشم. چون خودم مادر نگی‌های قدونیم قد خواهرم را داشتم. زنگ تفریح همین طور که در حیاط مدرسه قدم می‌زدم و لقمه‌ای که مادرم برایم پیچیده بود را گاز می‌زدم به دندانم و فرشته مهربان فکر می‌کردم. خدا خدا می‌کردم که فرشته یادش نرود به جای دندانم، هدیه برایم بیاورد. سر کلاس درس همه‌ی فکرم پیش فرشته بود تا اینکه بالاخره زنگ خانه خورد. دوان‌دوان خودم را به خانه رساندم. در را محکم کوبیدم. پدرم که در حیاط مشغول وضو گرفتن بود در را باز کرد و گفت: دخترا چه خبره؟ نفس نفس زنان گفتم: سلام بابا. آن قدر عجله داشتم برای رسیدن به اتاق که منتظر جواب سلام بابا نشدم. وارد اتاق شدم و مستقیم رفتم سر وقت بالش، بلندش کردم و بلند فریاد کشیدم: آخ جون! هورا! مارنگی که دوست داشتم. ممنون فرشته‌ی مهربون... و بعدها فهمیدم پدر و مادرم همان فرشته مهربان بودند که آرزوهایم را برآورده می‌کردند.

لیلا رحیمی

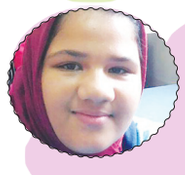

سارا سرگرم بازی با دوستانش شده بود و فراموش کرد که به من آب بدهد. نور خورشید از پنجره به من می‌تابید. حسابی گرمم شده بود و تشنه شده بودم. به گل لاله نگاه کردم و دیدم او هم مثل من از تشنگی برگ‌هایش آویزان شده. لاله دوست من بود و هر دو در باغچه خانه سارا زندگی می‌کردیم. از خدا خواستیم که سارا زودتر به ما آب بدهد. بازی که تمام شد سارا به ما نگاه کرد و یادش افتاد که به ما آب نداده و مشغول آب دادن به ما شد. من و لاله آب را نوشیدیم و گفتیم: خداجون! ممنون که به ما آب رسوندی. یک روز که مادربزرگ سارا پیش ما آمد گفت: سارا! چه گل نرگس و لاله زیبایی داری؟ یه تخم گل دیگه هم برات آوردم که در باغچه بکاری. سارا تخم گل را گرفت و کاشت. چند روز بعد صبح زود گلی از خاک شروع به روییدن کرد. من و لاله خیلی خوشحال بودیم که دیگر تنها نیستیم. سارا وقتی گل را دید خیلی خوشحال شد. من و لاله و سارا ذوق‌زده شده بودیم و دوست داشتیم بدانیم نام آن گل چیست؟ چند روز طول کشید تا غنچه‌ها باز شدند. آفتابگردان زیبایی بود و ما خیلی خوشحال شدیم. به آفتابگردان خوش‌آمد گفتیم و از خدا تشکر کردیم که دوست تازه‌ای را به ما هدیه داده است.

حدیث شهریاری

دست مادرم را گرفته بودم که در آن شلوغی گم نشوم. بازار حسابی شلوغ بود. عطر خاصی در هوا پراکنده بود. خوشحالی در دل آدم‌ها موج می‌زد و آمدن عید را خبر می‌داد. عده‌ای خرید می‌کردند و شاید بعضی‌ها فقط تماشا می‌کردند. جلوتر که رفتیم چشمم به عروسکی در ویترین مغازه عروسک فروشی افتاد. اشک می‌ریختم و مامان مامان می‌کردم که عروسک را برایم بخرد. مادرم نگاهی به من کرد و گفت: خونه برات‌دارم. از حرف مادرم ناراحت شدم و گفتم: حالا که اینطوریه من اصلاً لباس عید نمی‌خوام. مادرم با پولی که داشت خریدهایش را انجام داد و برای من یک دست لباس خرید. با اخم و ناراحتی نایلون لباس را از دست مادرم گرفتم. هنوز داشتم نق می‌زدم که مادرم دوباره گفت: خونه برات‌دارم. به خانه که رسیدیم از ترس به اتاق رفتم و آن‌قدر برای عروسکی که مادرم نخریده بود گریه کردم که نفهمیدم چطور زمان گذشت؟ با بچه‌هایم برای خرید عید به بازار رفته بودم. درنا به سمت عروسک فروشی رفت و گفت: مامان برام از این عروسکا می‌خری؟ ولی من پول کافی نداشتم و به‌زور می‌توانستم برای دانیال و درنا لباس بخرم. نگاهی به درنا کردم و گفتم: درنا جان! بیا بریم بعد برات می‌خرم عزیزم. درنا گریه می‌کرد، داشتم با هزار بدبختی آرامش می‌کردم که با صدای مادرم از خواب بیدار شدم. با خودم گفتم شاید مادرم هم ...

فاطمه بیت سیاحی

منتظر داستان و اشعار شما هستیم

لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمائید. ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی‌شود.

toloudaily@gmail.com

کارشناس (این شماره) سرویس ادبی - هنری: **محمدرضا عسکری**

روزنامه طلوع آگهی و مشترک می‌پذیرد

۴۲۲۹۲۴۶ - ۳۲۳۴۴۷۷۲

آگهی حصر وراثت

خانم فرح جمشیدنیا فرزند محمدرضا به شرح درخواستی که به کلاسه ۹۶۰۹۰۱ ش ۴ این شورا ثبت گردیده درخواست صدور گواهی انحصار وراثت نموده و اعلام داشته که مرحوم حسن جمشیدنیا فرزند محمدرضا به شماره شناسنامه ۲۳۷۰۲۸۶۷۶۸ صادره از کازرون در تاریخ ۹۶/۸/۲۰ در اقامتگاه دایمی خود شهرستان شیراز فوت نموده وراث حین الفوت آن مرحوم عبارتند از: ۱- حسام جمشیدنیا به شماره ملی ۲۳۷۰۲۸۶۷۷۶- ۱۳۳۹ کازرون برادر متوفی ۲- حسین جمشیدنیا به شماره ملی ۲۳۷۱۸۷۱۴۹۴ – ۱۳۴۶ کازرون برادر متوفی ۳- خانم فرح جمشیدنیا به شماره ملی ۲۳۷۰۳۴۰۹۸۳ – ۱۳۴۱ کازرون خواهر متوفی ۴- خانم فرزانه جمشیدنیا به شماره ملی ۲۳۷۱۳۴۰۹۹۱ – ۱۳۴۳ کازرون خواهر متوفی اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به این شورا مراجعه و تقدیم نماید والا گواهی صادر خواهد شد. ۱۳۳۵/ م الف ۶/۱۸۳۸

زمانی بخش – رییس شعبه چهارم
شورای حل اختلاف کازرون

آگهی ابلاغ وقت دادرسی

بدینوسیله اعلام می شود آقای حسین سلیمی بنی شکایتی مبنی بر صدور دو فقره چک بلامحل علیه آقای علی نقی سرطاوی فرزند حاج رضا تسلیم این دادگاه نموده که به این شعبه ارجاع و به کلاسه ۹۶۱۰۴۱ ثبت و وقت رسیدگی برای روز ۱۳۹۵/۱۱/۲۵ ساعت ۱۱ صبح تعیین شده است با توجه به مجهول المکان بودن متهم و تجویز ماده ۳۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری مراتب یک نوبت آگهی می‌شود تا متهم از تاریخ انتشار این آگهی ظرف یک ماه به دفتر این دادگاه واقع در دادگستری کازرون شعبه ۱۰۲ کیفری دو مراجعه و ضمن اطلاع از شکایت شاکی ارایه دلایل نموده و در وقت یاد شده جهت رسیدگی حاضر گردد در غیر این صورت وفق مقررات قانونی اتخاذ تصمیم خواهد شد.

۱۳۲۳/ م الف ۶/۱۸۳۶

دادرس شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو شهرستان کازرون

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۱۰۳۴۰۰۲۲۵۸ - ۹۶/۷/۴ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی علیرضا کونجان فرزند علی مومن به شماره شناسنامه ۹۳۱ صادره از شیراز به شماره ملی ۲۲۹۲۵۳۵۴۱۶ در سه دانگ مشاع از ششدانگ اعیانی یک باب ساختمان تجاری مسکونی ساخته شده در عرصه یک قطعه زمین موقوفه به مساحت ۳۶۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۰۷۰ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز که برابر یک فقره اجاره نامه عادی با حق احداث اعیانی به متقاضی واگذار گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

۱۹۲۰۴/م الف ۲۵۹۲۲/۱۵۶۷۲

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۶/۱۰/۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۶/۱۰/۲۱

جهانبخش اسفندیاری نیا – رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو شیراز

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم به آقای علیرضا کرد فرزند میرحسین

خواهان آقای محمد توسلی علیایی دادخواستی به طرفیت خوانده آقای علیرضا کرد به خواسته مطالبه وجه مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۸۸۸۵۷۰۰۴۶۵ شعبه دوازدهم شورای حل اختلاف ویژه فرهنگیان کازرون ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲ ساعت ۱۷/۳۰ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی به علت مجهول المکان بودن خوانده و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می گردد تا خوانده ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست و ضمایم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد. ۶/۱۸۳۹ ۱۳۳۸/م الف

شعبه دوازدهم شورای حل اختلاف ویژه فرهنگیان کازرون

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۱۰۳۴۰۰۲۹۷۴- ۹۶/۹/۹ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی مهدی کرمی فرزند نبی به شماره شناسنامه ۴۱۷ صادره از شیراز به شماره ملی ۲۲۹۸۰۷۲۳۰۲ در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۱۸۸/۸ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۰۷۸/۱۰۳ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز خریداری از مالک رسمی خانم مهین سبحانی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

۱۹۲۰۶/م الف ۲۵۹۴۴/۱۵۶۷۸

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۶/۱۰/۶

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۶/۱۰/۲۱

جهانبخش اسفندیاری نیا – رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو شیراز

آگهی ابلاغ اجراییه

بدینوسیله اعلام می شود به موجب اجراییه شماره ۹۶۱۰۴۲۷۱۸۰۱۰۰۱۴۵ صادره از شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی کازرون محکوم علیهم حبیب اله کم سخن و عبدالرسول تقوی زاده فرزند عباسعلی محکوم هستند به ۱- پرداخت مبلغ ۲۷۹/۲۰۰/۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته و مبلغ ۷/۸۷۷/۰۰۰ ریال بابت هزینه دادرسی و همچنین پراخت حق الوکاله وکیل طبق تعرفه در حق خواهان به صورت تضامنی ۲- پرداخت مبلغ ۱۳/۹۶۰/۰۰۰ ریال بابت حق الاجرا در حق صندوق دولت که به علت مجهول المکان بودن خوانده و درخواست محکوم له و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می شود تا خوانده از تاریخ انتشار این آگهی و اطلاع از مفاد آن ظرف مهلت ده روز نسبت پرداخت محکومیت خود اقدام در غیر این صورت وفق مقررات قانونی اتخاذ تصمیم خواهد شد. ۱۳۳۲/ م الف ۶/۱۸۳۴

شعبه اول دادگاه عمومی (حقوقی) دادگستری شهرستان کازرون

آگهی احضار متهم

نظر به اینکه مهرزاد قربانی فرزند عبداله از طرف این دادسرا تحت تعقیب می‌باشد و ابلاغ اوراق احضاریه به واسطه نامعلوم بودن محل اقامت او میسور نگردید بدین وسیله در اجرای ماده ۱۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مراتب به نامبرده ابلاغ تا در شعبه چهارم دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان کازرون به منظور پاسخگویی و دفاع از اتهام انتسابی حاضر گردد. در صورت عدم حضور پس از یک ماه از تاریخ انتشار آگهی اقدام قانونی معمول و به موجب مواد ۲۱۷ و ۲۱۸ قانون یاد شده تصمیم غیابی اتخاذ می گردد.

۱۳۳۰/ م الف ۶/۱۸۴۲

دادیار شعبه چهارم دادسرای عمومی و انقلاب کازرون

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۱۰۳۴۰۰۳۰۰۰- ۹۶/۹/۱۳ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی محسن معتقدالحق فرزند غلامرضا به شماره شناسنامه ۵۱۹ صادره از لارستان به شماره ملی ۲۵۱۱۲۱۰۲۵۸ در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۵۵۰/۷ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۱۵۲/۵۲۵ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز خریداری از مالک رسمی خانم روح انگیز شکرنوش محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۶/۱۰/۶

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۶/۱۰/۲۱

۱۹۲۰۲/م الف ۲۵۹۳۸/۱۵۶۷۶

جهانبخش اسفندیاری نیا – رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو شیراز

آگهی ابلاغ وقت دادرسی

بدینوسیله اعلام می شود آقای رضا رنجبر فرزند علی اکبر شکایتی مبنی بر صدور چک بلامحل علیه آقای عبداله ترنج زر فرزند اسد تسلیم این دادگاه نموده که به این شعبه ارجاع و به کلاسه ۹۶۱۰۴۰ ثبت و وقت رسیدگی برای روز ۱۳۹۵/۱۱/۲۸ ساعت ۹ صبح تعیین شده است با توجه به مجهول المکان بودن متهم و تجویز ماده ۳۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری مراتب یک نوبت آگهی می‌شود تا متهم از تاریخ انتشار این آگهی ظرف یک ماه به دفتر این دادگاه واقع در دادگستری کازرون شعبه ۱۰۲ کیفری دو مراجعه و ضمن اطلاع از شکایت شاکی ارایه دلایل نموده و در وقت یاد شده جهت رسیدگی حاضر گردد در غیر این صورت وفق مقررات قانونی اتخاذ تصمیم خواهد شد.

۱۳۳۵/ م الف ۶/۱۸۳۶

دادرس شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو شهرستان کازرون

آگهی احضار متهم

بدینوسیله به آقای حامد کارگر فرزند کرم ساکن روستای قلعه سید کازرون که متواری می باشد ابلاغ می گردد که به اتهام مشارکت در آدم ربایی حسب شکایت آقای عبدالمهدی منصوری فرزند غلامعلی در پرونده کلاسه ۹۰۰۱۷۳ شعبه چهارم دادگاه کیفری یک شیراز مستقر در کازرون تحت پیگرد می باشید وقت رسیدگی پرونده برای تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۴ ساعت ۱۰ صبح تعیین گردیده که می بایست در وقت مقرر در جلسه دادگاه حاضر شوید در صورت عدم حضور رای غیابی صادر خواهد شد. در ضمن آقای بیژن تقدسی پور به عنوان وکیل تسخیری شما انتخاب شده است. ۲۲۸۰۲/م الف ۲۵۹۷۳

دادرس شعبه چهارم دادگاه کیفری یک شیراز
مستقر در کازرون

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۱۰۰۱۰۱۷۸۶۱ - ۹۶/۸/۳ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی حسین رحیمی فرزند رشید به شماره شناسنامه ۶۴ صادره از شیراز به شماره ملی ۲۲۹۳۰۹۴۰۶۵ در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۱۷۸/۹۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۰۷۹/۷۷ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز خریداری از مالک رسمی صمد استوار زیجردی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۶/۱۰/۶

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۶/۱۰/۲۱

۱۹۲۰۳/م الف ۲۵۹۳۹/۱۵۶۷۷

جهانبخش اسفندیاری نیا – رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو شیراز

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی

خواهان مجید بلوردی دادخواستی به طرفیت خوانده حسن قوی بازو گیگلو فرزند بالا به خواسته مطالبه وجه مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۷۱۸۰۲۰۰۴۸۱ شعبه دوم دادگاه عمومی (حقوقی) دادگستری شهرستان کازرون ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۹ ساعت ۹ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی به علت مجهول المکان بودن خوانده و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می گردد تا خوانده ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی و دادخواست و ضمایم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد. ۶/۱۸۳۵ ۱۳۳۳/م الف

شعبه دوم دادگاه عمومی(حقوقی) دادگستری کازرون